

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف (Valentin Katasonov)

مدخل و برگردان از: ا. م. شیری

۲۱ جنوری ۲۰۱۳

## در باره ابرنهاد، یا کمیته ۱۴۷

مدخلی برای ورود به کنه مطلب

در ادامه سلسله مطالب مرتبط با سیاستهای مالی- اقتصادی سرمایه داری، بالاخص سرمایه داری امپریالیستی تحت عناوین: ۱- «توفان سرمایه داری»<sup>(۱)</sup>؛ ۲- «دیکتاتوری جهانی سرمایه مالی و ایران»<sup>(۲)</sup>؛ ۳- «تصادم اقتصادها. سیاست نسل کشی جهانی یا نئومالتوسیانیسم»<sup>(۳)</sup>؛ ۴- «تصادم اقتصادها. سیاست نسل کشی جهانی یا نئومالتوسیانیسم»<sup>(۴)</sup>؛ ۵- «صادرات دالر و جنگ- بنیان اقتصاد امریکا»<sup>(۵)</sup>؛ ۶- «پایان جهان» و بانک فدرال»<sup>(۶)</sup>؛ ۷- «یورو، روسای جمهور امریکا و طلا»<sup>(۷)</sup>؛ ۸- «چاپ ۱۶ تریلیون دالر از سوی بانک مرکزی امریکا و توزیع آن بین بانکها»<sup>(۸)</sup>؛ ۹- «طلا و «پایان جهان»»<sup>(۹)</sup>؛ ۱۰- «اسرار ۱۱ سپتمبر»<sup>(۱۰)</sup>، با تقدیم و ارائه مقاله «در باره ابرنهاد، یا کمیته ۱۴۷» به جمع خوانندگان شاید بسیار معدود فارسی- دری زبان، به روشنفکران، تحلیلگران، دانشمندان و پژوهشگران، به ویژه متخصصان علم اقتصاد مخالف و حتی موافق سیاستهای امپریالیسم و سیاست مالی- اقتصادی آن، آنها را رقیب خود نمی شمارم و به دونل هم دعوت نمی کنم، بلکه، آنها را به تأمل، تفکر، همفکری و همانندیشی پیرامون مسائل و موضوعات آتی بدین امید فرا می خوانم، تا بتوان ریشه و منشای معضلات و مشکلات سیاسی- اجتماعی اقتصادی، مالی جوامع انسانی را به کمک خرد و عقلانیت جمعی شناسائی کرد و راه برون رفت از آنها را نشان داد:

۱- یک کمیته خصوصی متشکل از ۱۲ بانک خصوصی به نام «نظام ذخیره فدرال امریکا»، با برخورداری از حق ضرب پول، بی هیچ حساب و کتابی به میزان دلخواه بانکداران اسکناس چاپ می کند و برای چاپ هر قطعه اسکناس فقط ۱۰ سنت هزینه می کند<sup>(۱۱)</sup>. بدین ترتیب، یعنی با صرف ۶۰ سنت (صرفنظر از نسبت کمی اسکناسها)،  $(100 + 50 + 20 + 10 + 5 + 1) = 186$  دالر ضرب می کند. بدین ترتیب، گذشته از کاربست انواع و اقسام روشها و متدها برای کسب سودهای نجومی دیگر، اولین سود حاصل از ۶۰ سنت هزینه نظام ذخیره فدرال بسیار سرسام آور است: ۳۱ هزار درصد و یا ۳۱۰ برابر!

سؤال:

۱- آیا کسی حاضر است توضیح دهد این اقتصاد چه نام دارد؟

۲- دولت امریکا نیز با چاپ اوراق قرضه و سهام بهادار و غیره، این دلرها را می خرد.

سؤال:

۳- چرا دولت امریکا از داشتن حق ارزش ملی خود محروم شده و چه نفعی از آن می برد؟  
۴- همین انواع قطعات اسکناس ۶۰ سنتی، به ذخیره ارزی جهانی تبدیل می شوند و تمام مبادلات تجاری جهان هم باید با همین دالر انجام شود.

در رابطه با موضع اخیر هم سؤالاتی پیش می آید که انتظار می رود، دست اندر کاران، به ویژه، اقتصاددان پاسخ آنها را صریحاً بدهند:

تأثیرات (منفی یا مثبت) این سیاست اقتصادی- مالی امپریالیسم امریکا بر اقتصاد کشورهای مختلف جهان، نقش آن در توسعه یا سرکوب دموکراسی و حقوق بشر، در ایجاد جنگها و تجاوز به کشورهای مختلف تاراج دارائی آنها و بالاخره، عاملها و اهرمهای اجرایی آن کدامند؟ کمیته صهیون (کمیته ۳۰۰)؟ دولت مخفی جهانی؟ یا کمیته ۱۴۷؟  
«اگر در خانه کس هست، یک حرف بس است».

«مترجم»

\*\*\*

## در باره ابرنهاد، یا کمیته

در مقاله «پشتوانه حمله به نظام ذخیره فدرال چیست؟»، صلاح دیدم راجع به مطالعات گروه دانشمندان انستیتوی تکنولوژی فدرال سویس واقع در زوریخ بنویسم. حاصل مطالعات این گروه در اواسط سال ۲۰۱۱ انتشار بیرونی یافت و رسانه های جمعی جهانی آن را به مثابه مهیج ترین موضوع سال اعلام کردند. از آن وقت تا کنون، بسیاری از نویسندگان، از جمله «پارتیزانهای اطلاع رسانی»، دائماً به نتیجه گیری سوییسی ها استناد می کنند. به ویژه، دیوید ولکوک در کتاب خود تحت عنوان «مستبدان مالی» از داده های این مطالعات استفاده می کند. فعالان جنبش تسخیر «وال استریت» نیز در تنظیم پوسترها، اوراق تبلیغاتی و جزوات خود از گنجینه گروه دانشمندان سویس بهره می برند...

### کشف «هسته» اقتصاد جهانی

دانشمندان سوییسی با طرح و بررسی عناصر تشکیل دهنده اقتصاد جهانی، در جست و جوی پاسخ این سوال که اقتصاد جهانی دارای یک «هسته بلورین» می باشد یا یک توده بی شکل است، به مجموعه ای از ارتباطات عمودی و افقی بین کمپانی ها دست یافتند. سوییسی ها، اساساً، مسأله شراکت برخی کمپانیها در سرمایه های کمپانیهای دیگر را مورد توجه قرار دادند. آنها با حجم انبوه اطلاعات کامپیوتری ۳۷ میلیون شرکت و سرمایه گذاران در سطح جهانی موجود در بانک اطلاعات اوربیس ۲۰۰۷ مواجه شدند. پس از «پاکسازی» ناهنجار اولیه مجموعه کمپانیها از انواع «ناچیزها»، یک گروه مشتمل بر ۴۳ هزار کمپانی فراملیتی باقی ماند. در ادامه مطالعات عمیق، دانشمندان به کشف یک «هسته» مرکب از ۱۳۱۸ کمپانی موفق شدند که ۲۰ درصد از کل فروش همه شرکتها در بانک اطلاعات به آنها تعلق داشت. بررسی ها به همین کشف خاتمه نیافت. روشن شد که هر یک از شرکتهای جزو این «هسته»، به طورمتوسط در سرمایه های ۲۰ شرکت سهام هستند. بدین ترتیب، این «هسته» در مجموع، در حدود ۶۰ درصد تولید ناخالص جهانی را کنترل می کند.

سوییسی ها تصمیم گرفتند هر چه عمیق تر غوطه ور شوند. و لذا، در داخل خود این «هسته» (۱۳۱۸ کمپانی)، به کشف یک «هسته» کوچکتر متشکل از ۱۴۷ کمپانی فراملی موفق شدند. سوییسی ها اطلاعات چندان زیادی در باره این «هسته» کوچکتر به دست نیاوردند.

اولاً، این ۱۴۷ کمپانی به سبب شراکت در سرمایه ها، دارای روابط بسیار مستحکمی بین خود می باشند.

ثانیاً، بخش بزرگ «هسته کوچک» (۷۵ درصد) را بانکها، شرکتهای بیمه و کمپانی های مالی تشکیل می دهند. در ابتدای لیست «هسته کوچک» بانک برکلیز جای گرفته و در آنجا، در سطر اول بانک برکلیز، جی پی مورگان چیس، UBS AG، مریل لینچ، دویچه بانک، گلدمن ساکس و سایر ذکر شده اند. (بررسی ها، اوضاع سال ۲۰۰۷، یعنی، شروع بحران مالی را انعکاس می دهد).

ثالثاً، بر اساس ارزیابی سوییسی ها، ۴۰ درصد سرمایه های جهان، از جمله ۹۰ درصد سرمایه های بخش بانکی را «هسته کوچک» کنترل می کند.

«پارتیزانهای اطلاع رسانی» بر این باورند که تحقیقات دانشمندان سوییسی اطلاعات دایر بر وجود گروه کوچک افراد مسلط بر امور اقتصادی، مالی و سیاسی جهان را به طور قطع تأیید می کند. و همچنین ثابت می کند که دقیقاً همان «هسته کوچک» متشکل از ۱۴۷ کمپانی، به عبارت دقیق تر، صاحبان آنها، همان گروه توطئه گرانی اند که «پارتیزانهای اطلاع رسانی» با آن مبارزه می کنند. به باور آنها، «هسته کوچک» نامیدن این گروه صحیح نیست. آن را یک ابرنهاد مسلط بر امور اقتصادی، مالی و سیاسی در مقیاس جهانی می توان نامید. «هسته کوچک» را همسنگ با کمیته ۳۰۰ جان کلمن، کمیته ۱۴۷ نیز می نامند.

### نگاهی مختصر بر اقتصاد جهانی

لازم به گفتن است، که دانشمندان سوییسی، پس از انتشار این «خبر» مهیج، کمی ترسیدند. انگار به منظور تیرئه خود بود که گفتند: ۱- به هیچ توطئه ای باور ندارند؛ ۲- سخن از مسائل اقتصادی می تواند در میان باشد نه از حاکمیت سیاسی «هسته کوچک»؛ ۳- کمیته ۱۴۷ منافع بسیار پراکنده دارد و این نیز آن را از اعمال کنترل مؤثر بر اقتصاد و سیاست جهانی بازمی دارد.

به هر حال، احتمال می دهم درک ضعیف گروه دانشمندان سوییسی از ظرافت اقتصادی و مالی معاصر، دلیل چنین لغزش زبانی بوده باشد. سرپرست گروه، جیمس گلاتفلدر (James Glattfelder) فیزیکیان است و اعضای آن، متخصص امور اطلاع رسانی هستند. دانشمندان زوربخ می گویند: «تمرکز قدرت، به خودی خود، بیانگر هیچ چیز خوب یا بدی نیست. ولی این موضوع به هسته مستحکم شرکتهای به هم پیوسته مربوط نمی شود. همانطور که در سال ۲۰۰۸ شاهد بودیم، چنین شبکه با ثباتی وجود ندارد». جیمس گلاتفلدر می گوید: «اگر یک کمپانی فرو بریزد، در پی آن، دیگران هم فرومی پاشند».

چنین اظهاراتی را من نه تنها به منزله درک ناچیز سوییسی ها از سرمایه داری معاصر ارزیابی می کنم، حتی آن را فریبکاری آشکار می دانم. چرا که در پی بحران سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹، هسته اقتصاد جهانی نه فقط آسیب ندید، حتی هر چه بیشتر تحکیم یافت. همانطور که کارشناسان جدی به درستی تأیید می کنند، اعلام ورشکستگی بانک «لیمین برادرز» در پائیز سال ۲۰۰۸، اقدامی از پیش برنامه ریزی شده و به عمل آمده بنا به تصمیم همه بانکداران بزرگ وال استریت بود. دارائی های غیرمطمئن دیگر بانکها به این بانک منتقل شده بودند، که اجازه می داد این بانک آخرین شناور باشد و بتواند به یک «هسته» بسیار قدرتمند تبدیل شود.

البته، تناقضات و تنشهایی در داخل خود «هسته» کشفی دانشمندان سوییسی وجود دارد و یک مبارزه پنهان برای اعمال سلطه بر سرمایه ها و منابع جهان در جریان است. در بالاترین سطح هیرارشی (سلسله مراتب) جهانی یک رویارویی مستمر و اعلام نشده بین خاندان روچیلدها و راکفلرها مشهود است. در جایگاه بعدی، خود طرفهای رویارویی معطوف به پیوستن به یکی از دو خاندان فوق الذکر قرار دارند. این تقابل را نیکولاس هاگر (Nicholas Hagger) امریکائی در کتاب خود با عنوان «سندیکا، تاریخ تشکیل دولت مخفی جهانی و روشهای تأثیرگذاری آن بر سیاست و اقتصاد

جهان» به صورت بسیار مؤجز و مقنع تحلیل و بررسی قرار داده است. ولیکن مشاهده و مخصوصاً درک رویارویی در داخل این «هسته» به کمک روشهای مورد نظر دانشمندان سویسی، مطلقاً غیرممکن است. هیچ ابررایانه ای توانائی شناسائی آن را ندارد.

چرا این «هسته» نه این که تجزیه نمی شود، حتا به عکس، هر چه بیشتر قوام می یابد؟ دلایل عینی و ذهنی فراوانی وجود دارد. در اینجا فقط همپیوندی مستحکم خویشاوندی- موروثی بین خاندانهای مالک کمپانیهای «هسته» را به عنوان یکی از دلایل ذهنی یادآوری می کنم. یکی از دلایل عینی نیز این است که این قبیله ها برای حفظ ذخایر برخی منابع آزاد در جهان و اعمال سلطه بر آنها با هم پیکار می کنند. اگر بخواهم با سخنان کلاسیکها بیان کنم، این است که امروز ما شاهد مبارزه برای تقسیم جهان هستیم. زمانی که این فاز به پایان برسد، مبارزه برای تقسیم مجدد جهان آغاز خواهد شد و آنگاه کشمکشها در داخل «هسته» بسرعت رشد خواهد کرد و شکاف خطرناکی در آن پدید خواهد آمد.

البته، تصویری که سویسی ها ترسیم کرده اند، بسیار ساده است. در مطالعات دانشمندان زوریخ این مسأله بشدت چشمگیر است که آنها رابطه کمپانیها را فقط به شراکت در سرمایه ها محدود می کنند. در نقشه ترسیمی آنها سرمایه گذاری مستقیم (یعنی، مجموعه عمده سهام، حق، سهم در سرمایه شراکتی) یگانه ابزار سلطه بر بازرگانی شمرده می شود. در همین حال، در شرایط سرمایه داری معاصر، نقش اصلی را اشکال سیطره غیرشراکتی بازی می کند. از میان آنها، وامها را که منافع وام دهنده را حداقل بیش از امکان مشارکت مستقیم در تصمیم گیریهای ستراتژیک، بیش از سهام کلاسیک سهامداران بزرگ تأمین می کند، می توان یادآوری کرد و وامها، ابزارهای انحصاری در دست بانکداران شمرده می شوند.

بیش از یکصد سال قبل (در سال ۱۹۱۰)، رودولف هیلفردینگ (۱۸۷۷-۱۹۴۱)، پژوهشگر آلمانی، بنیانهای نظری نقش تسلط بانکها بر اقتصاد سرمایه داری رشدیافته را در اثر مشهور خود بنام «سرمایه مالی» تشریح نمود. در این کتاب، او چنین اظهار نظر می کند، که بانکها به مرور زمان جامعه را، ابتداء در محدوده مرزهای ملی و سپس در مقیاس جهانی اداره خواهند کرد. تولید برنامه ریزی شده، گردش و مبادله کالا و مصرف را بانکها تحقق خواهند بخشید. هیلفردینگ مدعی شد که بدین ترتیب، جهان، از چنگال بحرانها رهائی خواهد یافت. او، چنین مدل ساختار اجتماعی را «سرمایه داری سازمانیافته» نامید. به عقیده او، این مدل را به یک معنی، سوسیالیسم هم می توان نامید. ضمناً، در زمان آخرین بحران، هنگامی که بانکهای امریکائی و برخی بانکهای دیگر میلیاردها و تریلیونها دالر از بودجه ایالات متحده امریکا و نظام ذخیره فدرال امریکا دریافت کردند، در امریکا آن را به عنوان فرارسیدن عصر «سوسیالیسم بانکی» ارزیابی می کردند.

امروز کمتر کسی از هیلفردینگ نام می برد. جهان کنونی، که با سلطه بانکها در اقتصاد و سیاست توصیف می شود، شباهت حیرت انگیزی با آن تصویری از جهان دارد، که این آلمانی بیش از یکصد سال قبل ترسیم کرد. خوانندگان اثر هیلفردینگ نظر واحدی از تیزبینی او ندارند. گروهی او را نابغه می خوانند؛ گروه دیگر بر این باورند که او، وابسته برنامه بلند مدت الیگارشی جهانی می باشد که در سراسر قرن بیستم سرسختانه «سوسیالیسم بانکی» را ساخت.

### ابرنهاد و ذخیره فدرال

در ارتباط با نتیجه گیری دانشمندان سویسی می توان گفت: آنها بدون استفاده از ابررایانه قدرتمند و بی توجه به این که امریکا را دیگران بارها و بارها کشف کرده اند، «امریکا را مجدداً کشف کردند» (این گفته کنایه آمیز، یک ضرب المثل معادل: «از کرامات شیخ ما چه عجب، مشت را باز کرد و گفت، و جب!»)، در زبان اصلی مقاله می باشد. مترجم). همه چیز در سطح قرار دارد و آشکارا دیده می شود. فقط کافی است به کتاب «اسرار ذخیره فدرال» تألیف

پژوهشگر امریکائی، یوستاس مالینزا (Eustace Mullinza) اشاره شود که لیست سهامداران نظام ذخیره فدرال امریکا در آن اعلام شده است. در این لیست نیز نام همان بانکها خودنمایی می کند، که سوییسی ها «نام برده اند». تنها عنوان برخی بانکهای سهامدار که در نتیجه ادغام و جذب در طول چند دهه بعد از تشکیل نظام ذخیره فدرال دائماً تجدیدسازمان یافته اند، کمی عوض شده است.

می توان نتایج حسابرسی جزئی سال ۲۰۱۱ نظام ذخیره فدرال نیز یادآوری کرد. این ممیزی نشان داد، که ذخیره فدرال در دوره آخرین بحران، بعد از چاپ مبلغ نجومی ۱۶ تریلیون دالر، آن را بین بانکهای معظم داخلی و خارجی توزیع کرد. لیست این بانکها همراه با مبلغ تخصیصی به آنها انتشار یافت. در اینجا، ما نیز نام این مجموعه بانکها و مبالغ وام پرداختی نظام ذخیره فدرال به آنها را به میلیارد دالر در داخل پرانتز «(» ذکر می کنیم: سیتی گروپ (۲۵۰۰)؛ مورگان استنلی (۲۰۰۴)؛ مریل لینچ (۱۹۴۹)؛ بانک امریکا (۱۳۴۴)؛ بارکلیس پی ال سی (۸۶۶)؛ بیارسترنس (۸۵۳)؛ گلدمن ساکس (۸۱۴)؛ رویال بانک اسکاتلند (۵۴۱)؛ چی پی مورگان (۳۹۱)؛ بانک المان (۳۵۴)؛ کردیت سویس (۲۶۲)؛ UBS (۲۸۷)؛ لیمن برادرز (۱۸۳)؛ بانک اسکاتلند (۱۸۱)؛ بی ان پی پاریباس (۱۷۵).

همانطور که دیده می شود، نام همان بانکهایی که دانشمندان سوییسی ذکر کرده اند، در لیست بانکهای بسیار خوشبخت نیز آمده است. این دانشمندان خواه از روی احتیاط، خواه به علت بی خبری، حتی به این موضوع اشاره هم نکردند که ابرنهاد چه روابطی با ذخیره فدرال دارد. در حالی که این روابط بسیار ساده است:

- ۱- بانکهای عضو ابرنهاد، سهامداران عمده کورپراسیونی خصوصی به نام «فدرال رزرو» هستند؛
  - ۲- نظام ذخیره فدرال با برخورداری از حق انحصاری ضرب پول، همان بانکهای برگزیده را که در عین حال مالکان نظام ذخیره فدرال هستند، با محصولات خود، یعنی، با پولهای خود تجهیز می کند.
- اما پولهای دریافتی از نظام ذخیره فدرال را بانکهای برگزیده برای خرید دارائی جهان- مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق کمپانیهای غیرمالی دریافت کننده وام ارزان یا حتی بی بهره از آنها، مصرف می کنند.

#### نشانی ها:

- (1) - <http://www.hafteh.de/?p=22727>
- (2) - <http://www.hafteh.de/?p=23622>
- (3) - <http://www.hafteh.de/?p=32529>
- (4) - <http://www.hafteh.de/?p=32529>
- (5) - <http://www.baaba.eu/Gaproz/Pdfha/Saderat%20Dolar.pdf>
- (6) - <http://www.hafteh.de/?p=33614>
- (7) - <http://www.hafteh.de/?p=33897>
- (8) - <http://www.eb1384.wordpress.com/2012/12/11/>
- (9) - <http://kar-online.com/node/5716>
- (10) - <http://www.hafteh.de/?p=32768>
- (11) - <http://kar-online.com/node/5785>

<http://www.fondsk.ru/news/2013/01/15/o-supersubekte-ili-komitet-147.html>

۱ بهمن- دلو ۱۳۹۱